



توسعه مهارت‌های نرم در محیط آموزشی، چالش‌ها و راهکارها

عاطفه نبی پور چاکلی^۱، زهرا جهان بین مراددهنده^۲

۱- کارشناسی مهندسی مکانیک، دانشگاه گیلان

a.nabipour@yahoo.com

۲- کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان

zahrajahanbin2000@gmail.com

چکیده

مهارت‌های نرم به عنوان توانایی‌ها و صفات شخصیتی که به فرد کمک می‌کنند تا در تعامل با دیگران و در موقعیت‌های مختلف به طرز مؤثری عمل کند، در محیط آموزشی دارای اهمیت بسیاری می‌باشند و تربیت این مهارت‌ها در مدرسه به عنوان یکی از هدف‌های اصلی آموزشی باید در نظر گرفته شود تا علاوه بر دانش تخصصی، توانایی‌های اجتماعی و روحی دانش‌آموزان نیز تربیت شوند. در محیط مدرسه، غالباً مهارت‌های نرم به عنوان یک عنصر فرعی معرفی می‌شوند و توجه کمتری به آنها می‌شود. عدم توجه به توسعه مهارت‌های نرم می‌تواند منجر به پدیده‌هایی مانند کاهش توانمندی‌های ارتباطی دانش‌آموزان، کمبود مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاقیت، و ناکامی در مواجهه با فشارهای زندگی شود. این امر می‌تواند تأثیر منفی بر جوامع و بازار کار در آینده داشته باشد. به برخی از چالش‌های موجود در مسئله‌ی آموزش مهارت‌های نرم در مدارس میتوان به عدم اختصاص زمان کافی، کمبود مدرسین آموزش دیده، نبود سیستم ارزیابی مناسب اشاره کرد. با توجه به تغییرات نسل جدید، لازم است که از الگوها و فرضیات جدید درباره نحوه تدریس و یادگیری استفاده شود. روش تدریس در ایجاد و تقویت مهارت‌ها در دانش‌آموزان تأثیر به سزایی دارد. روش‌های تدریس فعال گزینه بسیار مناسبی برای این منظور است. راه‌حل پیشنهادی دیگر برای تقویت مهارت‌های نرم در مدارس، آموزش مشارکتی است. درک معایب سیستم آموزشی فعلی، فراهم نمودن محیط، امکانات و محتوای مناسب آموزشی و کشف فرصت ایجاد مدارس مهارت آموزی و توسعه و گسترش آن، از مهمترین وظایف دستگاه تعلیم و تربیت می‌باشد.

کلمات کلیدی: مهارت‌های نرم، مدارس، مهارت آموزی، راهکار

۱- مقدمه

در جدیدترین تعریف یونسکو^۱ از سواد، توانایی ایجاد تغییر، ملاک باسوادی قرار گرفته است یعنی شخصی باسواد تلقی می‌شود که بتواند با استفاده از خوانده‌ها و آموخته‌های خود، تغییری در زندگی خود ایجاد کند. به همین جهت توجه به "مهارت" موضوع بسیار با اهمیتی تلقی می‌شود چرا که صرفاً دانستن یک موضوع به معنای عمل به آن نیست و در صورتی که مهارت‌ها و دانش آموخته شده باعث ایجاد تغییر معنادار در زندگی شود، آنگاه می‌توان گفت یک فرد انسانی باسواد است. براساس تعریف سازمان جهانی بهداشت^۲، مهارت‌های زندگی عبارتند از توانایی انجام رفتارهای سازگارانه و مثبت به نحوی که افراد بتوانند با چالش‌ها و ضروریات زندگی روزمره خود کنار بیایند. (حسینی، ۱۳۹۷)

مهارت به توانایی یا تجربه‌ای اشاره دارد که فرد را قادر می‌سازد یک وظیفه، کار یا فعالیت را به خوبی و با بهره‌وری انجام دهد. مهارت را می‌توان به دو دسته سخت و نرم تقسیم کرد.

^۱ Organisation des Nations unies pour l'éducation, la science et la culture

^۲ World Health Organization



مهارت های سخت به توانایی ها و دانش های تخصصی و محاسباتی اشاره دارند که برای انجام وظایف و فعالیت های خاص در حوزه های مشخص مورد استفاده قرار می گیرند و به طور معمول به اطلاعات علمی، مهندسی، تکنولوژی، زبان های برنامه نویسی، مهارت های حرفه ای مانند پزشکی، مهندسی، حسابداری و مهارت های تخصصی مشابه اشاره دارد.

مهارت های نرم مجموعه وسیعی از مهارت ها، شایستگی ها، رفتار ها، نگرش و ویژگی های فردی است که فرد را قادر می سازد که در تعامل با اطرافیان خود و در مواجهه با چالش های مختلف، نظیر توانایی های ارتباطی، مهارت های زبانی، عادات شخصی، همدلی های شناختی یا عاطفی، مدیریت زمان، کار گروهی بهتر و مؤثرتر عمل کند.

امروزه مسئله مهارت های نرم در کنار مهارت های سخت و چه بسا مهم تر از آن مطرح می شود. داشتن مهارت های نرم به اشتغال پذیری افراد کمک می کند و باعث می شود افراد در محیط کار موفق تر عمل کنند (Zhang, 2012). مهارت آموزی مقوله ای است که همواره مورد توجه نظام های آموزشی پیشرفته قرار دارد؛ چرا که تنها آموزش سطحی منابع درسی به دانش آموزان نمی تواند آنان را برای زندگی آینده مهیا سازد. از این رو، برای پرورش نسلی کارآمد که بتواند آینده روشنی را برای کشور رقم زند، باید به فکر راه های افزایش مهارت افراد در نظام آموزشی بود (حسینی، ۱۳۹۷). اکنون با توجه به اینکه از مهم ترین اهداف عملیاتی و راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش این است که فارغ التحصیلان دارای حداقل یک مهارت مفید برای تامین معاش حلال باشند، به گونه ای که در صورت جدایی از نظام تعلیم و تربیت رسمی در هر مرحله توانایی تامین زندگی خود و اداره خانواده را داشته باشند (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰) بر آن شدیم تا به مسئله مهارت آموزی در مدارس بپردازیم.

۱-۱- پیشینه پژوهش

هتی^۳ در سال ۲۰۰۹ در مقاله ای به عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی پرداخته است. او با تحلیل اطلاعات حاصل از ۸۰۰ نمونه یکی از عوامل مؤثر پیشرفت تحصیلی را آموزش مهارت نرم می داند. در این مقاله او سعی کرده است بهترین شیوه های تدریس را که در پیشرفت تحصیلی تاثیرگذار بوده است را معرفی کند (Hattie, 2009).

در مقاله "مهارت های قرن ۲۱ ام برای دانش آموزان و معلمان"، (ویت و اورویس^۴، ۲۰۱۰) به مهارت های ارتباطی و شغلی اشاره شده است که شامل: تفکر تحلیلی و خلاقانه، ارتباطات شفاهی و کتبی، رهبری و کار گروهی، سواد کمی و دیجیتالی، نگرش جهانی، سازگاری، ابتکار و ریسک پذیری، تصمیم گیری اخلاقی، مهارت فنی، مهارت کار، مهارت فناوری و... ذکر شده است (Witt & Orvis, 2010).

دورلاک^۵ در مقاله ای در سال ۲۰۱۱ به ضرورت نیاز به آموزش مهارت نرم و همچنین تاثیر آن بر عملکرد تحصیلی و رفتاری دانش آموزان اشاره کرده است. دورلاک معتقد است آموزش مهارت های نرم در محیط آموزشی منجر به بهبود مهارت های اجتماعی و مهارت های هیجانی و رفتاری دانش آموزان می شود که در پی آن به بهبود عملکرد تحصیلی در رفتارهای دانش آموزان منجر می شود (Durlak et al., 2011).

ویجان^۶ در مقاله ای در سال ۲۰۱۲ بیان کرده است مهارت های اصلی بشر برای زندگی کردن در قرن ۲۱ مهارت های یادگیری و نوآوری، حل مساله، ارتباطی و مشارکتی، تفکر انتقادی، تفکر خلاقیت، فناوری اطلاعات و مهارت های ارتباطی به منظور دسترسی سریع تر به اطلاعات، مهارت های زندگی، مهارت های اجتماعی، مهارت های فرهنگی و مهارت های رهبری و مسئولیت است. در این زمینه به اعتقاد ویجان مدیران آموزشی باید این مهارت های نرم را در بین کارکنانشان توسعه دهند تا عملکردشان موجب بهبود شرایط دانش آموزان شود (Wijan, 2012).

³ Hattie

⁴ Witt & Orvis

⁵ Durlak

⁶ Wijan



ویلیامز^۷ در سال ۲۰۱۵ در مقاله‌ای بیان کرد مهارت‌های نرم باید از طریق تجربه اتفاق بیفتند. به عقیده او حوادث و رویدادهای زندگی بیشتر از دوره‌های کارآموزی میتواند دانش‌آموزان را برای آینده‌ای روشن آماده کند. پس بنابراین باید به نحوی برنامه درسی و محیط آموزشی را در جهت توسعه این مهارت‌ها آماده کنیم (Williams, 2015).

جونز و گرینبرگ و کراولی^۸ در سال ۲۰۱۵ به ارتباط مهارت‌های نرم در دوران کودکی با سلامت و رفاه آینده آنها پرداختند. در این مقاله بر اهمیت ارتباطات اجتماعی مناسب در دوران کودکی و تاثیر آن بر سلامت و رفاه آینده اشاره دارد. گرینبرگ بر این عقیده بود این مهارت‌ها می‌توانند به افراد کمک می‌کنند تا بهبود عملکرد اجتماعی تعاملات مثبت با اطرافیان و حل مسئله موثر را تجربه کنند (Jones, D. E., Greenberg, M., Crowley, 2015).

۲- روش شناسی

در این مقاله، از روش گرد آوری مطالب استفاده شده است. هدف از نوشتار علمی مروری حاضر، بررسی چالش‌های مرتبط با آموزش مهارت نرم در مدارس و ارائه راهکارهایی برای رفع این مسائل می‌باشد که در ادامه به این مسئله پرداخته شده است.

۳- مهارت نرم

مهارت‌های نرم به عنوان توانایی‌ها و صفات شخصیتی که به فرد کمک می‌کنند تا در تعامل با دیگران و در موقعیت‌های مختلف به طرز مؤثری عمل کند، در محیط آموزشی دارای اهمیت بسیاری می‌باشند و تربیت این مهارت‌ها در مدرسه به عنوان یکی از هدف‌های اصلی آموزشی باید در نظر گرفته شود تا علاوه بر دانش تخصصی، توانایی‌های اجتماعی و روحی دانش‌آموزان نیز تربیت شوند. دانش‌آموزان به کمک این مهارت‌ها بهترین تجربه تعامل با دوستان و افراد دیگر و همچنین موثرترین رویارویی را با مسائل پیش آمده خواهند داشت و در نتیجه برای زندگی امروز و آینده‌شان آماده می‌شوند.

کنفرانس اقتصاد جهانی (۲۰۱۵) براساس اطلاعات جمع‌آوری شده در یکصد کشور توسعه یافته و در حال توسعه، با استفاده از فراتحلیل اظهار کرده است که دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی و دوره‌ی متوسطه به ۱۶ مهارت نیازمند هستند، این مهارت‌ها به سه دسته سواد پایه، شایستگی‌ها، ویژگی‌های فردی تقسیم بندی شده است.

"سواد پایه" نشان دهنده‌ی میزان توانایی دانش‌آموزان در کاربرد مهارت‌های مشترک در زندگی روزمره است. این مهارت‌ها عبارتند از: سواد ریاضی، سواد علمی، سواد فناوری اطلاعات و ارتباطات، سواد مالی، سواد مدنی و فرهنگی.

"شایستگی‌ها" به معنای چگونگی روبه‌رو شدن دانش‌آموزان با چالش‌های پیچیده است. برای مثال تفکر انتقادی یکی از این چالش‌ها می‌باشد که عبارت است از توانایی شناسایی و تجزیه و تحلیل و ارزیابی شرایط، ایده‌ها و اطلاعات به منظور تدوین و پاسخ دادن به مشکلات. چالش دیگر خلاقیت است، یعنی توانایی تصور و طراحی و تدوین روش‌های نوآورانه تازه، پرداختن به مشکلات، پاسخ به پرسش‌ها و یا بیان معنا از طریق کاربرد و تجزیه و تحلیل دانش است. همچنین چالش ارتباط و همکاری که شامل کار با دیگران برای هماهنگی و انتقال اطلاعات به منظور مقابله با مشکلات است. شایستگی نیروی کار در قرن بیست و یکم، توانایی ارزیابی نقادانه، انتقال دانش و کار گروهی است.

"ویژگی‌های فردی" به منزله‌ی چگونگی روبه‌رو شدن دانش‌آموزان با تغییرات محیطی است از قبیل تغییرات سریع بازار کار. برای مثال ویژگی‌های فردی از قبیل پشتکار، سازگاری و انعطاف پذیری سبب موفقیت در برخورد با موانع می‌شود. کنجکاوی و ابتکار عمل سبب کشف تعامل سازنده با دیگران، اجتماع، و رشد و توسعه فرهنگ می‌گردد (Witt & Orvis, 2010a).

سازمان جهانی بهداشت در سال ۱۹۹۳ مهارت‌های زندگی را در قالب ده مهارت ارائه نموده که عبارتند از: مهارت خودآگاهی، همدلی، ارتباط موثر، روابط بین فردی سازگاران، مقابله با فشار عصبی، مقابله با هیجان، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، حل مسئله و تصمیم‌گیری.

⁷ Williams

⁸ Jones, Greenberg, Crowley



این مهارت‌ها توانایی‌هایی هستند که موجب رفتارهای مثبت و سازگارانه شده و برای احساس موفقیت، توانمندی و شادکامی در زندگی روزمره مورد نیاز هستند. بنابراین در سالهای اخیر آموزش این قبیل مهارت‌ها برای آماده نمودن افراد برای مقابله با مشکلات و ایجاد رفتارهای مثبت و در نتیجه دستیابی به زندگی موفقیت‌آمیز مورد توجه روانشناسان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی قرار گرفته است (ادیب و فرادانش، ۱۳۸۲). با کسب مهارت خودآگاهی، دانش‌آموز به توانایی شناخت نقاط ضعف و قوت خود می‌رسد. اگر او بتواند تصویری واقع بینانه از خود کسب کند و نیازها و تمایلاتش را به خوبی بشناسد، می‌تواند با حقوق فردی، اجتماعی و همچنین مسئولیت‌های اجتماعی‌اش آشنا شود. به کمک مهارت همدلی دانش‌آموز قادر خواهد بود خودش را به جای دیگران بگذارد. احساسات افراد را درک کند. نسبت به رنجی که افراد جامعه می‌کشند، حساس باشد. در واقع اگر دانش‌آموزان ما، این مهارت را در خودشان پرورش دهند، می‌توانند با والدین، معلمان و سایر افراد جامعه، ارتباط بهتری را برقرار کنند.

با مهارت ارتباط موثر، دانش‌آموز می‌آموزد برای درک بهتر دیگران، به شیوه‌ای درست به صحبت‌های آن‌ها گوش دهد. و بتواند نیازها و احساسات خودش را با دیگران در میان بگذارد تا هم نیازهای دیگران و هم نیازهای خودش برآورده شود. مهارت روابط بین فردی، مشارکت و اعتماد واقع بینانه و همکاری با دیگران را مشخص می‌کند و موجب می‌شود تا دانش‌آموز روابط دوستانه‌ای با دیگران ایجاد کند و دوستی‌های ناسالم را خاتمه دهد تا کسی از چنین روابطی آسیب نبیند.

با آموختن مهارت مقابله با فشار عصبی دانش‌آموز هیجان‌های مثبت و منفی را در خود و دیگران می‌شناسد و سعی می‌کند واکنشی نشان دهد که این عوامل مشکلی برایش ایجاد نکند. در مهارت مقابله با هیجان، دانش‌آموزان باید احساسات‌های مختلف خود مثل خشم، غم، تنفر و شادی را بشناسند و بفهمند که هیجان‌های شدید می‌تواند اثرات منفی بر روی ذهن و بدن آنها داشته باشد لذا باید راهی مناسب برای کنترل و مدیریت این احساسات پیدا کند. مدیریت این احساسات و هیجان‌ها، هوش هیجانی (EQ)^۹ نامیده می‌شود. کنترل خشم و ترس، دوری از پرخاشگری، لجبازی و دعوا همه حاصل کنترل احساسات و یا بهره‌مندی از هوش هیجانی می‌باشد. دانش‌آموز با تقویت مهارت تفکر خلاق به قدرت کشف، نوآوری و خلق ایده‌ای جدید دست می‌یابد تا در موارد گوناگون بتواند راهی جدید و موثر بیابد و هنگام مواجهه با مشکلات و دشواری‌ها احساسات منفی را به احساسات مثبت تبدیل کند.

در مهارت تفکر انتقادی دانش‌آموزان یاد می‌گیرند که هرگاه مطلبی را که می‌خوانند، می‌بینند یا می‌شنوند، در گام اول، مطلب مورد نظر را بررسی کنند و بعد آن را بپذیرند یا رد کنند. دانش‌آموزانی که قدرت تفکر انتقادی بالاتری دارند قادر می‌باشند در خصوص مسائل درسی، کاری و یا زندگی خود پرسش‌های مناسبی را طرح کنند. اطلاعات مرتبط با موضوع پرسش را جمع‌آوری کنند و سپس با خلاقیتی که دارند مطالب را دسته‌بندی، جمع‌بندی و به یک نتیجه مطمئنی در رابطه با یک پرسش یا مسئله برسند. دانش‌آموز با مهارت حل مسئله، ابتدا مسئله یا مشکل را تعریف و برای حل آن، راه‌های مختلفی را به ذهن می‌آورد، راه‌ها را بررسی می‌کند و بهترین راه حل را انتخاب و اجرا می‌کند.

به کمک مهارت تصمیم‌گیری دانش‌آموز می‌آموزد در سر دوراهی‌های زندگی، بهترین راه و مسیر را انتخاب کند. تصمیم‌های درست و مثبت را برای زندگی خود بگیرند. اهداف بلند مدت داشته باشد و اهداف بلند مدت زندگی خود را به اهدافی کوتاه تقسیم کند تا بتوانند تصمیم‌گیری صحیح‌تری داشته باشند.

۳-۱- لزوم توجه به مهارت‌های نرم در مدارس :

در محیط مدرسه، غالباً مهارت‌های نرم به عنوان یک عنصر فرعی معرفی می‌شوند و توجه کمتری به آنها می‌شود. عدم توجه به توسعه مهارت‌های نرم می‌تواند منجر به پدیده‌هایی مانند کاهش توانمندی‌های ارتباطی دانش‌آموزان، کمبود مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاقیت، و ناکامی در مواجهه با فشارهای زندگی شود. این امر می‌تواند تأثیر منفی بر جوامع و بازار کار در آینده داشته باشد، زیرا مهارت‌های نرم به دانش‌آموزان کمک می‌کنند تا به طرز موثری در محیط مدرسه، زندگی شخصی و آینده حرفه‌ای‌شان عمل کنند و در جامعه به عنوان

^۹ emotional quotient



افرادی متعهد و مسئولیت‌پذیر دیده شوند. بنابراین، ایجاد توازن بین مهارت‌های تئوری و نرم در برنامه‌های آموزشی مدارس و توجه به توسعه جامع مهارت‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است.

۲-۲- چالش‌های موجود در توسعه مهارت‌های نرم در مدارس :

سیستم آموزشی حاضر عموماً بر انتقال مهارت‌های تخصصی و دانش فنی تمرکز دارد به عبارت دیگر مهارت‌های نرم ممکن است به عنوان بخش مهمی از تربیت فردی در سیستم آموزشی نادیده گرفته شوند یا به صورت محدودی در درس‌های تخصصی یا برنامه‌های کمکی جایگذاری شوند. همچنین در سالیان اخیر تصور بر این بوده که دستگاه تعلیم و تربیتی موفق است که خروجی آن نیروهای انسانی برخوردار از سطوح بالای علم و دانش باشد، لذا امروزه شاهد نتایج منفی این نگرش در جامعه هستیم که برخی از محصولات آن عبارتند از؛ حافظه‌مداری، توجه به بخش کوچکی از هوش و استعداد دانش‌آموزان، مقایسه‌ی نابجای آنان، ایجاد الگو و ارزش‌های نامناسب، توجه به اقلیتی خاص (نخبه‌پروری) و در مقابل، عدم توجه به عموم جامعه که موجب تضاد، سرخوردگی، کاهش نوآوری و خلاقیت و ابتکار، کاهش کسب و کارهای مولد و پویا، عدم توسعه و رشد اقتصادی، فقر فرهنگی و اجتماعی، رشد بیکاری، افزایش رفتارهای ناهنجار و بزهکاری ... می‌گردد (حجازی و ساعی‌مهربان، ۱۳۹۶).

از دیگر چالش‌های آموزش مهارت نرم، نیاز آموزش آن به زمان و منابع و تخصیص منابع انسانی است. تربیت دانش‌آموزان نیازمند مدرسینی است که آشنایی کاملی با این قسم مهارت‌ها داشته باشد و همچنین توانایی انتقال این مهارت‌ها به دانش‌آموزان را دارا باشند. متأسفانه آموزش معلمان در زمینه تدریس و توسعه مهارت‌های نرم به میزان مطلوب انجام نشده است و این عامل می‌تواند مانع انتقال درست این مهارت‌ها به دانش‌آموزان شود. بعلاوه در نظر گرفتن زمان مناسب جهت تمرین کردن این مهارت‌ها بسیار اهمیت دارد. تخصیص زمان به آن را میتوان به عنوان یکی از چالش‌های اصلی عنوان کرد. همانطور که ذکر گردید، ساختار آموزشی حاکم، بیشترین تمرکز را بر دانش تخصصی و فنی دارد و این امر موجب کمبود زمان کافی برای آموزش مهارت‌های نرم گردیده است. از دیگر چالش‌های موجود، تجربه و تمرین در موقعیت‌های واقعی می‌باشد که شبیه‌سازی آن در کلاس درس مشکل و گاهی امکان‌ناپذیر خواهد بود.

مسئله ارزیابی مهارت نرم نیز اغلب به صورت کیفی می‌باشد و تحت تاثیر شخصیت، تجربه و محیط اطراف فرد قرار دارد و در ارزیابی آن نمیتوان تصویر دقیقی از توانایی فرد نمایش داد. این مهارت‌ها شامل مجموعه‌ای گسترده از مهارت‌هاست و نیاز است هر مهارت به صورت جداگانه اندازه‌گیری شود. کیفی بودن سنجش آن موجب می‌شود ارزیابی آن نسبی باشد و نتوان به صورت دقیق آن را بیان کرد. با وجود چالش‌های حاکم باید در آموزش بهتر این مهارت‌ها تلاش کرد. زیرا این مهارت‌ها از اصلی‌ترین مهارت‌های فردی هستند که باید هر فرد به آن تجهیز شود. در ادامه راهکارهایی برای ایجاد و توسعه این مهارت در دانش‌آموزان ارائه خواهد شد.

۳-۲- راهکارهای ایجاد و تقویت مهارت نرم در محیط‌های آموزشی:

دانش‌آموزان امروز در مقایسه با نسل قبل تفاوت‌های زیادی دارند. آنها به گونه‌ای متفاوت از گذشته یاد می‌گیرند و به طور متفاوتی در آنها انگیزش ایجاد می‌شود. بنابراین، با توجه به تغییرات نسل جدید، لازم است که از الگوها و فرضیات جدید درباره نحوه تدریس و یادگیری استفاده شود. فضای یادگیری آینده، چگونگی اداره آن برای یادگیری، انتخاب شیوه‌های ارتباطی و ابزارهای یادگیری مواردی است که در الگوی مهارت‌آموزی و یادگیری دانش‌آموزان همواره باید رعایت گردد (Witt & Orvis, 2010b).

روش تدریس در ایجاد و تقویت مهارت‌ها در دانش‌آموزان تاثیر به‌سزایی دارد. اگر معلم از روش‌های تعاملی در تدریس خود استفاده کند، در دانش‌آموزان فرصت مناسبی برای تقویت مهارت‌های ارتباطی، احساس مسئولیت، و مشارکت در انجام کارهای گروهی و داشتن نقشی فعال در فرایند آموزش ایجاد خواهد شد. روش‌های تدریس فعال گزینه بسیار مناسبی برای این منظور است مانند اجرای نمایش و ایفای نقش، کارگروهی، ارائه پروژه‌ها و مسائل واقعی توسط دانش‌آموزان، روش حل مسئله و کاوشگری. این روش‌ها عموماً بر مبنای



گفتگو و تبادل تجربه بین دانش‌آموزان است که در نتیجه آن مهارت‌های همدلی و توانایی تفهیم یکدیگر توسعه می‌یابد و همچنین می‌توانند اطلاعات یکدیگر را نقد و تحلیل کنند که موجب تقویت مهارت تفکر انتقادی در دانش‌آموزان می‌شود.

راه‌حل پیشنهادی دیگر برای تقویت مهارت‌های نرم در مدارس، آموزش مشارکتی است. با شرکت دادن دانش‌آموزان در امر آموزش، احساس مسئولیت در آن‌ها افزایش می‌یابد و دانش‌آموزان فرصتی برای شناخت خود جهت تصمیم‌گیری در مسائل پیش‌رو پیدا خواهند کرد و به خودآگاهی و تقویت قدرت تصمیم‌گیری دست پیدا خواهند کرد.

بعلاوه می‌توان از بازی و مسابقه نیز استفاده کرد. به طور کلی نقش بازی در رشد دانش‌آموزان نقشی غیرقابل انکار دارد. برگزاری مسابقات و انجام بازی‌های تیمی حس همکاری و رقابت را در دانش‌آموزان تقویت می‌کند و همچنین فرصتی برای رهبری کردن و اجرای یک برنامه تیمی توسط خودشان فراهم می‌شود.

با آموزش مهارت ارتباطی به دانش‌آموزان، آن‌ها قادر خواهند بود مهارت‌های ارتباطی مناسب مانند فن بیان خوب، و گوش دادن فعال را به خوبی فرا بگیرند. گوش دادن فعال دارای چهار مولفه اصلی است که شامل توجه کردن، درگیر شدن، انعکاس دادن و پیگیری کردن می‌باشد. به واسطه "مهارت گوش کردن فعال" بین دانش‌آموزان احترام به یکدیگر و صمیمیت شکل خواهد گرفت (همدلی)، پیوند ارتباطی قوی میان آنها پدید خواهد آمد (ارتباط موثر)، می‌تواند موجب افزایش دانش در آنها شود و زمینه‌ای جهت رشد و شکوفایی خلاقیت در آنها شود (تقویت تفکر خلاق) و در نهایت با ارتباط موثر و مفید میان آنها قدرت تصمیم‌گیری و حل مسئله در آنها رشد خواهد کرد.

از جمله مهارت‌های نرم مهمی که باید به پرورش آن توجه داشت، مهارت تفکر انتقادی است؛ یک نوع تفکر که به تحلیل، ارزیابی و داوری اطلاعات، ایده‌ها، تجربیات و موقعیت‌ها با دقت و منطق می‌پردازد. هدف تفکر انتقادی تنها درک مفهوم مسئله نیست بلکه موجب فهم عمیق‌تر آن و ارزیابی دقیق آن می‌شود. به موجب این مهارت دانش‌آموزان می‌توانند در تصمیم‌گیری‌ها، حل مسئله و ابتکار و خلاقیت موفق‌تر عمل نمایند. به منظور تقویت این مهارت لازم است مربیان فرصت‌های زیادی برای تمرین این مهارت در اختیار دانش‌آموزان قرار دهند به عنوان مثال در حین تدریس از دانش‌آموزان خواسته شود که مواردی را تحلیل کنند و مسائل را از چندین دیدگاه مختلف بررسی نمایند تا سوالات مختلفی از ذهنشان عبور کند. به دانش‌آموزان مسائل مختلفی ارائه داده شود و از آن‌ها خواسته شود که راه‌حل‌های مختلفی برای آن مسائل ارائه دهند. همچنین تشویق دانش‌آموزان به شرکت در بحث‌های گروهی و ارائه نقدهای سازنده نسبت به یکدیگر نیز موثر خواهد بود.

مهارت‌های انضباطی شامل مدیریت زمان، مسئولیت‌پذیری و رعایت نظم در برنامه‌های آموزشی می‌باشد. مدیریت زمان بر توانایی برنامه‌ریزی مناسب برای انجام وظایف و ایجاد یک هماهنگی میان فعالیت‌های مربوط به مدرسه و وظایف خانگی اشاره دارد (Dipboye & Phillips, 1990). از جمله عواقب عدم توانایی مدیریت زمان، اهمال کاری است. یکی از مهمترین مشکلات و مسائل که باعث سوق دادن افراد به اهمال کاری میشود، ناتوانی اجتناب از لذات آنی و پرداختن به کارهای اصلی است. افراد با تعیین اهداف و برنامه‌ریزی مقاصد خود را که از زیرمجموعه‌های مدیریت زمان می‌باشد به طور عینی مشخص کرده و مدت زمان لازم را برای رسیدن به اهداف را پیش‌بینی و برنامه‌ریزی می‌کنند و با این کار، رسیدن به هدف عینی‌تر و منافی که عاید فرد می‌شود نمایان خواهد شد که در این صورت لذات آنی اثر تقویت‌کنندگی خود را از دست می‌دهند و انگیزه برای پرداختن به کارهای اصلی ایجاد می‌شود (صبحی و حاجلو، ۱۳۹۳). با آموزش این مهارت مهم به دانش‌آموزان، میتوان به تشویق آنها به منظور برنامه‌ریزی کارهای روزانه و تخصیص زمان معین به هر یک از امور پرداخت و همچنین آموزش اولویت‌بندی کارها براساس اهمیت آنها موجب می‌شود دانش‌آموزان با خیال آسوده و با کمترین استرس به بالاترین بهره‌وری دست یابند.

از دیگر مهارت‌های نرم که باید در مدارس آموزش داده شود برقراری روابط بین فردی سازگاران است. دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که چگونه به طور شایسته به حل تعارضات بین فردی بپردازند. از جمله مهارت‌های مرتبط به آن می‌توان به انعطاف‌پذیری اشاره کرد. مهارت انعطاف‌پذیری به معنای توانایی تطابق با تغییرات، مشکلات و شرایط متغیر در زندگی و مدرسه است. بهترین راهکار برای تقویت این مهارت فراهم کردن فرصت برای تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر است. در این تعاملات دانش‌آموزان در صورت وجود تعارض، فرا می‌گیرند



که چگونه دیدگاه خود را بیان کنند و به تحلیل و نقد بپردازند و در صورت ایجاد وضعیت نامطلوب توانایی سازگاری با شرایط را داشته باشند.

برای تقویت مهارت خلاقیت می‌توان به برگزاری کارگاه‌ها و یا برگزاری نمایشگاه‌هایی برای نمایش خلاقیت‌های دانش‌آموزان اقدام کرد در این زمینه علاوه بر اینکه دانش‌آموزان فرصتی جهت یادگیری مهارت‌های مرتبط به کار را پیدا می‌کنند می‌توان خلاقیت و تفکر خلاق را در آن‌ها گسترش داد. به عنوان مثال برگزاری کارگاه‌های مرتبط به هنرهای دستی و سپس نمایشگاهی جهت نمایش هنر دانش‌آموزان برگزار گردد. راهکارهای پیشنهاد داده شده می‌تواند به مدارس کمک کند تا برخی از مهارت‌های نرم دانش‌آموزان تقویت شود تا در زندگی شخصی و حرفه‌ای‌شان مؤثرتر عمل نمایند.

۳- نتیجه گیری :

درک معایب سیستم آموزشی فعلی، فراهم نمودن محیط، امکانات و محتوای مناسب آموزشی و کشف فرصت ایجاد مدارس مهارت آموزی و توسعه و گسترش آن، از مهمترین وظایف دستگاه تعلیم و تربیت می باشد. کسب مهارت‌های لازم، علاوه بر پاسخگویی به نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه، می‌تواند زمینه ساز و تامین کننده نیروهای مستعد و مورد نیاز کسب و کار و در نهایت موجب توسعه همه جانبه کشور شود (حجازی و ساعی‌مهربان، ۱۳۹۶). در محتوای کتب درسی باید آموزش مهارت‌های اساسی زندگی وجود داشته باشد. دانش‌آموز باید محیط پیرامون خود را به خوبی بشناسد و در موقعیت‌های مختلف با مهارت‌هایی که آموزش دیده واکنش‌های درست و منطقی از خود نشان دهد. (جعفرپور، مسعود)

منابع و مراجع

ادیب، یوسف، فرادانش، هاشم. (۱۳۸۲). مهارت‌های زندگی مورد نیاز دانش‌آموزان مقطع راهنمایی: ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد.

جعفرپور، مسعود. مسائل و راهکارهای آموزش و پرورش در حوزه مهارت آموزی.

<https://civilica.com/doc/download/22094727/19260bbeae5d590ae069093808ab1c26>

حسینی، سید رسول. (۱۳۹۷). دانش و مهارت آموزی حلقه‌ی مفقوده نظام تعلیم و تربیت.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepag/1390192>

حجازی، اسد، ساعی‌مهربان، رضا. (۱۳۹۶). ایجاد و توسعه مدارس مهارت آموزی: نشریه کار و جامعه.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1476575>

صبحی، ن. و حاجلو، ن. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت‌های مدیریت زمان بر اهمال کاری دانش‌آموزان: روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، ۹۱-۱۰۲.

سند تحول بنیادین. (۱۳۹۰).



Performance and Stress. 82(4), 760–768.

Durlak et al. (2011). The impact of enhancing students' social and emotional learning. In *Child Development* (Vol. 82, Issue 1, pp. 405–432).

Hattie, J. (2009). *Visible Learning.pdf*. A Synthesis of Over 800 Meta-Analyses Relating to Achievement.

Jones, D. E., Greenberg, M., Crowley, M. (2015). Early Social-Emotional Functioning and Public Health. In *American Journal of Public Health* (Vol. 105, Issue 11, pp. 2283–2290).

Wijan, P. (2012). *How to develop learning for the 21st Century Students*.

Williams, A.-M. (2015). Soft skills perceived by students and employers as relevant employability skills. In *Walden Dissertations and Doctoral Studies* (p. 361).
<https://scholarworks.waldenu.edu/dissertations/1427/>

Witt, R., & Orvis, J. (2010a). *21st Century Skills for Students and Teachers*. 1–25.
www.21stcenturyskills.com

Witt, R., & Orvis, J. (2010b). A Guide to Becoming a School of the Future. *National Association of Independent Schools*.

Zhang, A. (2012). Peer assessment of soft skills and hard skills. *Journal of Information Technology Education: Research*, 11(1), 155–168. <https://doi.org/10.28945/1634>